

وسواس ترامپ روی ایران چک سفید سعودی‌هاست

ترجمه روح اله نفعی

● کنگره مشغول بازپس‌گرفتن حمایت ایالات متحده از جنگی وحشیانه است که عربستان سعودی و متحدانش علیه یمن آغاز کرده‌اند و ده‌ها هزار غیرنظامی را به کشتن داده است. چهارشنبه هفته گذشته، ۲۴۸ نفر از نمایندگان مجلس نمایندگان رای دادند تا تحت مصوبه قدرت‌های جنگی ۱۹۷۳، از اختیارات خود استفاده کنند و نیروهای ایالات متحده را از هر گونه مشارکت در منازعه یمن عقب بکشد. حتی اگر سنا هم کار مجلس نمایندگان را دنبال کند، احتمالا دونالد ترامپ قطع‌نامه را وتو خواهد کرد. استدلال کاخ سفید این است که چون نیروهای ایالات متحده در «درگیری‌ها» در یمن حضور ندارند قطع‌نامه قدرت‌های جنگی در اینجا کارایی ندارد. عربستان سعودی و متحدانش به نیابت از دولت مستعفی یمن که به رسمیت بین‌المللی شناخته شده، علیه حوثی‌ها با حمایت ایران می‌جنگند. نقش آمریکا محدود به ارائه اطلاعات و تأمین تسلیحات است. (در گذشته، ایالات متحده به هواپیماهای جنگی سعودی نیز سوخت‌رسانی می‌کرد.) با این حال، جناح مخالف در کنگره ممکن است فشار مضاعفی بر سعودی‌ها اعمال کند تا آتش‌سب متزلزل موجود را رعایت و از مذاکرات برای حل اختلافی سیاسی حمایت کند. متأسفانه، عربستان سعودی تحت رهبری محمد بن‌سلمان، ولیعهد این کشور فکر می‌کند این دولت در یمن همچنان با او مسامحه خواهد کرد و دلایل خوبی هم برای این فکر دارد.

بخشی از مسئله این است که ترامپ، معامله‌گرترین رئیس‌جمهور آمریکا، روابط اقتصادی بین ایالات متحده و عربستان سعودی را توافق خوبی می‌بیند؛ آن‌قدر خوب که این موضوع را بر زبان آورده که پول‌های سعودی‌ها برای خرید سلاح‌ها و دیگر کالاهای ایالات متحده دلیلی برای نادیده‌گرفتن شرکات احتمالی ولیعهد در قتل روزنامه‌نگار سعودی، جمال خاشقجی است.

البته ترامپ در بی‌توجهی در مواجهه با سؤال مجرم‌بودن ولیعهد عربستان تنها نیست. روز چهارشنبه، مایک پمپئو، وزیر خارجه هم وقتی خبرنگاری از او درباره ارزیابی سایمینی بر نقش‌آفرینی احتمالی ولیعهد در کشتن خاشقجی پرسید، ازرنه شد. پمپئو این سؤال را «سؤالی مسخره» خواند و مدعی شد «همچنان که حقایق مشخص می‌شوند، همچنان که ما بیشتر درباره ماجرا می‌فهمیم، از همه کسانی که مسئول قتل جمال خاشقجی بوده‌اند پاسخ خواهیم خواست.» باورکردن چنین حرفی سخ‌ت است. کنگره بر اساس «قانون مگینتسکی مسئولیت‌پذیری حقوق بشر جهانی» از دولت درباره اینکه آیا ولیعهد شخصا مسئول مرگ خاشقجی بوده یا نه گزارش خواست اما دولت در پاسخ به چنین خواسته‌ای ناکام بود.

گشاده‌دست دولت در مقابل عربستان سعودی، فقط مسئله حساب‌وکتاب دلار و سنت نیست. این رویکرد می‌تواند بازتابی از ترس و نفرتی که دولت آمریکا از جمهوری اسلامی ایران دارد هم باشد. (در واقع، ترامپ در بیانیته‌ای که بعد از کشتن خاشقجی منتشر کرد، پیش از این‌که به ذکر بحث مرگ آن روزنامه‌نگار بپردازد، از «جنگ نیابتی حوثین» ایران «علیه عربستان سعودی در یمن» انتقاد کرده بود.) به نظر می‌رسد دولت آمریکا فکر می‌کند اگر نباست با ایران مقابله شود، پس باید به عربستان سعودی، رقیب منطقه‌ای ایران، صرف‌نظر از بدکاری‌هایش، روی خوش نشان بدهد. اما دولت ترامپ به شکل بیمارگونه‌ای روی ایران متمرکز است. مایک پنس، معاون اول رئیس‌جمهور، در سخنرانی‌ای که پنجشنبه هفته گذشته در ورشو داشت، ادعا کرد که ایران «علنا خواهان یک هولوکاست دیگر و به دنبال ابزارهای دستیابی به آن است». او در عبارتی که به نظر می‌رسید برای خوش‌آمدن به مذاق ملل عربی طراحی شده بود، اضافه کرد: «ایران به دنبال این است که امپراتوری باستانی پارسی را بازآفرینی کند.» برای متوجه‌شدن اینکه این نگاهی یک‌طرفه است که نفوذ ایالات متحده در منطقه را محدود می‌کند، نیازی به نادیده‌گرفتن تحریکات ایران نیست؛ برای مثال، در حالی که پنس عراق را به عنوان محلی مثال زد که ایران از طریق شبیه‌نظامیان خارج از کنترل دولت عراق، در حال اعمال نفوذ شوروانه‌اش است، توصیف ایران به عنوان نیروی پلید توسط ایالات متحده بسیاری از مسلمانان شیعه در عراق را از آمریکا بیگانه خواهد کرد.وسواس دولت آمریکا درباره ایران در روابط با متحدان اروپایی آمریکا نیز تنش ایجاد کرده است. بعد از اینکه ترامپ ایالات متحده را از توافقی بین‌المللی (برجام) بیرون کشید که روی برنامه هسته‌ای ایران محدودیت اعمال می‌کرد، ملل اروپایی به دلیل اینکه ایران به ملزوماتش پایبند بوده، قدم‌هایی برداشتند تا به توافق وفادار بمانند. پاداش آنها از طرف ایالات متحده بابت این وفاداری به توافقی بین‌المللی، سرزنش شدید از سوی پنس بود. بابت تلاش برای آنچه او «شکستن تحریم‌های آمریکایی علیه دولت انقلابی ایران» می‌دانست.سوارای رایگان عربستان سعودی شاید انکشت‌نماترین پیامد وسواس دولت آمریکا درباره ایران باشد، اما تنها پیامد نیست.



احمد غلامی

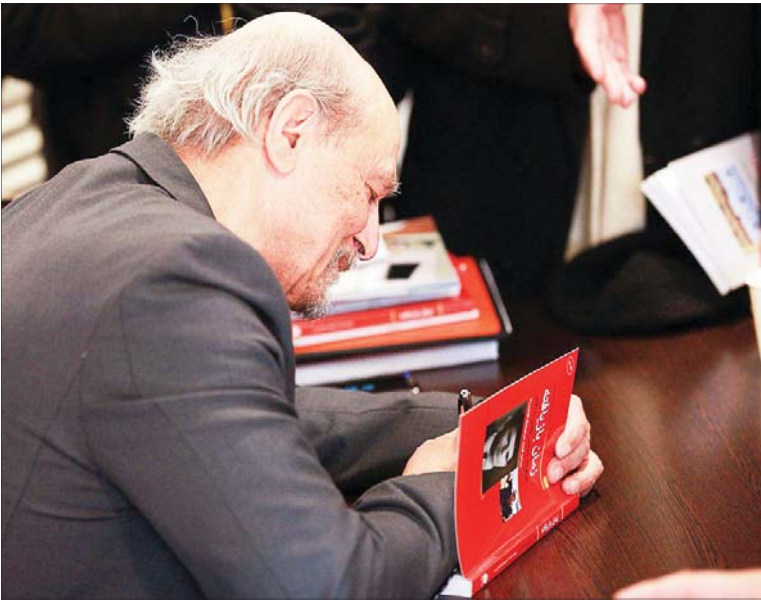
باوری وجود دارد که هر آنچه هست، همانی است که باید باشد اما گاه نشانه‌ها خلاف این را ثابت می‌کنند. اگر بهمن بازرگانی می‌خواست آدم دیگری می‌شد، شاید آدمی از جنس نویسنده/روشنفکران زمانه خودش. نوشتن نقد بر داستانی از خسرو دوامی و داستان کوتاهی در سراغز همین کتاب و روایتی از زندگی‌اش که این نوشتن را نوعی تعهد و تکلیف می‌داند در قبال دوقلوهای خودش. این تنها چیزهایی نیست که نشان می‌دهد بازرگانی از جنم دیگری است. از همه بیشتر صراحت و جسارت رودرروشن با خود است که از او انسانی هنرمند می‌سازد، نه هم‌چون بسیاری از آدم‌های سیاسی که کیش شخصیت دارند و جهان را از دریچه تنگ نگاه خود می‌بینند. آدم‌هایی از این جنس که دوست دارند بقیه با احترام به آنان را بنگرند. بازرگانی این نگاه را به سخره می‌گیرد و بعد از روایت داستان واقعی زندگی «رضاخان ده تیر» در تبریز این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند: «من نمی‌دانم برای رضاخان ده تیر آن هنگام که در خیابان می‌خرامید و توجه احترام‌آمیز آمیخته با ترس عابری‌ن را برمی‌انگیخت چه احساسی درست می‌داد. من اما این احساس را پیش از ۳۰ سالگی ام حس کردم، در آن سال‌های ۵۰ تا ۵۴ توی زندان: دختر و پسرهایی که با هر زحمتی و به هر وسیله‌ای می‌توانستند به ملاقات زندانی‌ها بیایند همان جوری نگاهمان می‌کردند. به‌عنوان موجوداتی نیمه‌مقدس. افراد مختلف در مقابل نگاه‌های شیفته واکنش‌های مختلف نشان می‌دهند. برخی به آن معتاد می‌شوند. رجوی را می‌توان مثال زد. من اما به یاد رضاخان ده تیر می‌افتم.» این نگرش شاهد مدعایی است که باور دارد بهمن بازرگانی از جنم نویسنده-روشنفکر است. او با زیرکی و بدون دادن گرگی به دست خواننده تیزبین سیاسی مجسمه رجوی را کله‌پا می‌کند. همان رجوی که از طریق حسین روحانی از مشهد به تهران می‌آید و زیر نظر بهمن بازرگانی برای راهبایی به کمیته مرکزی سازمان مجاهدین خلق آموزش می‌بیند. جالب اینکه نام سازمان مجاهدین خلق در زندان انتخاب می‌شود، در همان سال ۱۳۵۰ که اعضای کمیته مرکزی آن دستگیر و زندانی می‌شوند. در همان زندان که سردارانی نچنگیده شکست خورده بودند، پرنده‌هایی که نپریده با سنگی رهید از قلاب به زمین فرو غلتیده بودند. این شکست نه از جنس شکست‌های دیگر بود: شکست سرنوشت محتوم ما بود، در تقدیر ما بود. منظور ما از بررسی علل شکست‌مان این بود که وضعیت ما در مقطع سال پنجاه و با توجه به اینکه می‌خواستیم در جریان جشن‌های دوهزارو پانصد ساله با چند اقدام بزرگ اعلام موجودیت کنیم یا دستگیری غیرمنتظره‌مان، در این زمینه کاملاً ناموفق بودیم و به‌اصطلاح در موضع آتش نخورده و دهان سوخته بودیم.» در همین دوران، با اینکه اعضای کمیته مرکزی انتظار حکم اعدام دارند اما از پای نمی‌نشیند و در چرایبی شکست‌شان جلسه می‌گذارند و نظر می‌دهند. ضعف خود را آسیب‌شناسی می‌کنند و از غفلت‌های خود در برابر دستگاه ساواک پرده برمی‌دارند. به نظر می‌آید با آن‌که آنان همگی شجاع و جان‌برکف بوده‌اند ولی برای مبارزه شجاعت و مقاومت و حتی تئوری گفایت نمی‌کند. درک نقاط قدرت دشمن از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار است. پس باید این تجربیات را حتی به شکل وصیت‌نامه حزبی به اعضای بیرون از زندان انتقال داد تا از آن استفاده کنند. هرکس به زعم خود و وسعت توانایی‌اش؛ بهمن بازرگانی، بدیع‌زادگان، سعید محسن، حنیف‌نژاد، رجوی، علی میهن‌دوست، ناصر صادق و محمد بازرگانی و دیگران. بهمن بازرگانی با روایت آن روزهای زندان نشان می‌دهد چیزی به‌نام ترس از مرگ در بین زندانیان وجود ندارد. از فضای یأس خیری نیست، پُریده‌ها اندک‌اند. شاید یکی از دلایل آن جوانی باشد. اعضای کمیته مرکزی سن‌شان بین ۲۳ تا ۳۱ سال و مسعود رجوی کوچک‌ترین آنان ۲۳ ساله است. بزرگ‌ترین‌شان بدیع‌زادگان ۳۱ سال دارد. این گروه جوان آرمان‌گرا تنها چیزی که احساس نمی‌کند، بوی مرگ است و دشمنان آنان رژیم شاهنشاهی و دستگاه ساواک، بعد از دستگیری گسترده اعضای مجاهدین و برگزاری موفقیت‌آمیز جشن‌های دوهزارو پانصد ساله چنان نخوتی دارند که هرگز به مخپله‌شان هم خطور نمی‌کند هشت سال بعد، فقط هشت سال، این پیکره عظیم و خوفناک هم‌چون استخوان پوک فرو خواهد ریخت. زندان هم‌چون سفر است. درون آدمی را برون می‌ریزد. بهمن بازرگانی بدون آن‌که نیتی در بازگویی درون خود در آن دوران داشته باشد، درون خود را این‌گونه برملا می‌کند: «دندانپزشک اصرار داشت عصب دندان را بکشد و پر کند. من برعکس، خواستم قال قضیه را بکنم و راحتم کند. آمپول بی‌حسی را زد. گفت حیف است، این جلسه عصب را می‌کنم و جلسه دیگر که اینجا می‌آیم پرش می‌کنم. سال‌ها برایت دندان می‌شود. هفته‌ای یک روز می‌آمد و معمولاً به راحتی و بدون جر و بحث دندان می‌کشید. نوبت من که شده بود انکار ویرش گرفته بود دندان مرا حفظ کند. خنده‌ام گرفت. توی چشم‌هایش نگاه کردم، عسلی بودند رنگ چشم‌های مادرم. آمپول هنوز اثر نکرده بود. به راحتی می‌توانستم حرف بزنم. زدم. اما او باورش نشد. فکر کرد شوخی می‌کنم. ظاهراً قیافه‌ام به رغم درد دندان، شاداب‌تر و خندان‌تر از آن بود که بشود. باور کرد به زودی اعدام خواهد شد.» بهمن بازرگانی توانایی نویسندگی دارد. با این‌که خاطراتش راوی اول شخص دارد، اما روایتش از من فاصله می‌گیرد. بازرگانی با فاصله از من خود سخن می‌گوید. جمله «به زودی اعدام خواهد شد»، نمونه‌ای از این فاصله‌گیری است. او نه درباره خودش اغراق می‌کند و نه دیگران را تخفیف می‌دهد. سعی می‌کند راوی صادق و واقع‌گرای نسل خود

تاریخ سیاسی

مرور کتاب خاطرات بهمن بازرگانی

آخرین چریک



باشد، حتی نظرات منفی خود را در قالبی هنرمندانه با طنز و مطایبه بیان می‌کند: «شب‌ها هم بعضی مواقع نمایش و سیاه‌کاری بود. مسعود رجوی یک بار ادعا کرد که بلد است هیپنوتیزم کند بی‌آن‌که طرف متوجه بشود. با انگشتاش که آلوده به دوده لوله بخاری بود به بهانه هیپنوتیزم صورت طرف را سیاه کرد. آخرسر طرف فهمید که هیپنوتیزمی در کار نیست، سیاهش کرده‌اند. رجوی اگر قاتی به نقدش می‌پردازد. بازرگانی مرغوب هیچ‌کم نیست، حتی خودش. از خودش قهرمان نمی‌سازد. از کارها و ماموریت‌ها و گروه‌هایی که زیر نظرش آموزش دیده‌اند چنان به راحتی حرف می‌زند که اگر فضا و موقعیت و خوف حاکم بر آن زمان را نادیده بگیرید انکار بازرگانی دارد یک داستان ساده سیاسی را روایت می‌کند. در کتک خوردن‌هایش هم راه به اغراق نمی‌برد و با گفتن این‌که تا نوبت بازجویی به او برسد همه اطلاعات لو رفته بود. واقعیت موقعیت خودش را بازگو می‌کند. اما حنیف‌نژاد برای او از جنم دیگری است. حنیف‌نژاد باید آدمی حیرتانگیز بوده باشد که بازرگانی این چنین روایتش می‌کند: «در نهضت آزادی دو نفر به نحوی سمت آموزش بر من داشتند؛ محمد غرضی و پرویز یعقوبی. روابط نهضت خیلی گل و گشاد بود و اصلاً قابل مقایسه با چیزی نبود که محمد حنیف‌نژاد به راه انداخت. نهضت مخفی‌کاری می‌کرد ولی شسل و ول بود. چیزی که محمد حنیف‌نژاد به راه انداخت و مربوط به یک آدم مصمم به مبارزه بود که می‌خواهد فقط مبارزه کند. این یک جنم دیگر بود که من را جذب کرد.» شخصیت محمد حنیف‌نژاد و سعید محسن دو ضلع سازمان مجاهدین خلق‌اند و ضلع سومش می‌تواند بهمن بازرگانی باشد. حنیف‌نژاد، ترکیبی از تئوری و عمل بود و بازرگانی بیش از هر چیز به تئوری باور داشت. اما بازرگانی چون وسعت دانش مذهبی‌اش به پای دیگران نمی‌رسید در نظریه‌پردازی جایگاه ویژه‌ای در انتظارش نبود. البته معلوم است که بازرگانی دغدغه رهبری و مدیریت نیز نداشته است. حتی مسئولیت گروه سیاسی سازمان را نیز قرار بود به سعید محسن بدهند که او نمی‌پذیرد و بازرگانی جایش را می‌گیرد. در روند کار سازمان که نیاز به مسائل تئوریک بود و ترجمه آثار کشورهایی که مبارزات سیاسی را پشت سر گذارده‌اند، او نقش

پرنگ‌تری ایفا می‌کند. حنیف‌نژاد معتقد است برای مبارزه باید از دانش مارکسیست‌ها سود جست و در کنار باورهای مذهبی علیه رژیم مبارزه کرد. در اینجا بهمن بازرگانی که نگاهی ماتریالیستی دارد بیشتر به کار سازمان می‌آید. با خواندن کتاب «زمان بازیافته» به نکات حیرت‌انگیزی پی می‌بریم و آن چیزی نیست جز درک این موضوع که عطش غربی‌ی در کمیته مرکزی سازمان برای یادگیری وجود داشته است و این یادگیری با در مسائل تئوریک خودش را نشان می‌دهد یا در شیوه مبارزه. خواندن، ناخواسته همه چیز را دگرگون می‌کند. قبل از آن‌که خود بفهمی، من قدیمی‌ات از دست رفته است و بازمنی کرده. اما سوبیه دیگر خواندن شعف است، شعف از کشف دنیای جدید. بازرگانی و نسل او پُر از شور مبارزه و شعف بوده‌اند، چراکه باور داشته‌اند می‌توان دنیا را تغییر داد و این نظریه اگر هم برای برخی حتی خود کنونی بازرگانی توهم باشد، هم چنان توان و شور خلق می‌کند. طنز کتاب «زمان بازیافته»، که از خسونت و شعارهای انقلابیِ ثهی است از همین جا نشأت می‌گیرد. نسل بهمن بازرگانی شیفته زندگی‌اند و شیفتگان زندگی همواره دنبال تغییر و ارتقای زندگی‌اند. روایت آدم‌ها در «زمان بازیافته» قالبی و کلیشه‌ای نیست. آدم‌هایی در این خاطرات روایت می‌شوند که نمونه‌شان این روزها فراوان است اما وجود چنین آدم‌هایی در آن روزها حیرت‌انگیز بوده است: «ح به حنیف پیشنهاد کرده بود که سازمان در عملیات ساخت‌وساز او در تبریز سرمایه‌گذاری کند. از آن پس قرار شد که بخشی از کرایه خانه و خورد و خوراک‌مان تا آنجا که ممکن است از حقوق افسری عسکری‌زاده تأمین شود و من بیشتر حقوقم را به «ح» بدهم جهت سرمایه‌گذاری تا در وقت ضرورت با سود آن به سازمان پس بدهد. پس از دستگیری ما حنیف در سلول به من گفت به رغم آن‌که پس از ضربه اول شه‌ریور و دستگیری شماها ما پول لازم داشتیم اما «ح» یک رزال هم از آن پول‌هایی که من داده بودم با تو سه او داده بودی پس نداد. «ح» پس از دستگیری حنیف‌نژاد دستگیر شد. وقتی که بازجو گفته بود تو پول سازمان با بالا کشیده‌ای، جواب داده بود، خب این‌که به نفع شماست.»

بهمن بازرگانی در روایتش از سازمان تلاش می‌کند تا درباره حنیف‌نژاد و سازمان چیزی بگوید که منصفانه و واقع‌گرایانه باشد. از این منظر نقطه تلاشی خاطراتش این تکه است: «مجاهدین و حنیف در رأس آنها، نه مذهبی سنتی بودند نه مذهبی مدرن (مثل شریعتی یا بازگان). برای مجاهدین و حنیف نقش سازمان در دگرگونی انقلابی جامعه نقش اساسی بود و مذهب یا ایدئولوژی بدون سازمان ارزش انقلابی نداشت. درست مثل دوران حسن صباح. خارج از تشکیلات اسماعیلیه چیزی نبود که با استناد به آن بشود گفت که پیغمبر این‌طوری گفته، قرآن این‌طوری گفته یا شیوخ متفکر اسلامی این حرف‌ها را زده‌اند. آن‌ها معتقد بودند این‌ها ظاهر قضیه است و باطن قضیه چیز دیگری است که فقط او می‌داند.» به‌تعبیر بازرگانی مجاهدین یک جریان باطنی بود که می‌گفتند باید معناهای ظاهری را کنار گذاشت. باطن آن چیزی است که تشکیلات و رهبری سازمان می‌گوید. «زمان بازیافته»، خاطرات سیاسی بهمن بازرگان، روایتی خلاّقانه است از بخشی از تاریخ معاصر ما که حتماً امیروهشنگ افتخاری‌راد، در آن نقش بسیار مهمی دارد.

زمان بازیافته / خاطرات سیاسی بهمن بازرگانی / امیروهشنگ افتخاری‌راد / نشر اختران

ادامه از صفحه ۶		
دیپلمات‌ها در ایستگاه الجزایر		
چهره‌های دولت تنها افرادی نبودند که با آمریکا دیدار و مذاکره کردند. برجسته‌ترین چهره انقلابی که قبل و بعد از انقلاب با فرستادگان آمریکا روبه‌رو شد، شهید بهشتی بود.		
سیدمحمد حسینی بهشتی، روحانی تحصیل‌کرده و دنیاپدیده‌ای بود که نزد شخص اول انقلاب نیز اعتبار ویژه‌ای داشت. بهشتی منحصربه‌فرد بود و فراتر از کلیشه‌های چپ یا مذهبی اول انقلاب کار خود را پیش می‌برد و به‌نظر می‌رسد این موضوع نیز از چشم آمریکایی‌ها دور نمانده بود. تلاقی مؤلفه‌های شخصیتی و جایگاه او در بین جریان اصلی جمهوری اسلامی باعث شد تا آمریکا بعد از گروگان‌گیری تلاش‌کند از طریق او وارد مذاکره شود.		
یک روز بعد از گروگان‌گیری، سیا در گزارش خود به کاخ سفید درباره بهشتی نوشته بود: «مقامات آمریکایی که او را از نزدیک دیده‌اند می‌گویند از اعتمادبه‌نفس بسیار بالایی برخوردار است. او (بهشتی) در برابر گروه‌های سیاسی، مذاکره‌کننده سرسختی بوده ولی در مقایسه با (امام) خمینی بیشتر حاضر به مصالحه است.» ارزیابی‌هایی از این دست باعث شده بود که بعد از گروگان‌گیری، شخصی چون برژینسکی از دولت الجزایر برای ایجاد کانالی محرمانه به سید محمد بهشتی کمک بخواهد. درخواست برژینسکی را الریک هاینس، سفیر وقت آمریکا در الجزایر روز ۲۳ دی ۱۳۵۸ (۱۳ ژانویه ۱۹۸۰) با محمد صدیق بن یحیی، وزیر خارجه الجزایر مطرح کرد. جواب او اما منفی بود. به گفته سفیر وقت آمریکا در الجزایر، مقامات الجزایری «ابداً نمی‌خواستند دست به اقدامی بزنند که		

ایروپا از بگرام خارج شود
● عرق معاون دونالد ترامپ هنوز از نشست ورشو خشک نشده بود که در نشست امنیتی مونیخ حاضر شده و از اروپا خواست از بگرام خارج شود. مایک پنس که قبل از مونیخ، در نشست چهارشنبه و پنجشنبه ورشو حاضر شده بود، شبانه در نشست امنیتی مونیخ سخنرانی کرد تا تلاش خشکی ناپذیر خود را برای اجماع‌سازی علیه ایران ادامه دهد.

پنس در مونیخ و در سومین سخنرانی خود در شهرهای اروپایی با هم گفته‌های قبلی خود را تکرار کرد. به گزارش «اسپس»، این مقام آمریکایی به اظهارات مقامات ایرانی علیه رژیم اسرائیل اشاره کرد و گفت: «ایران به‌طور آشکار خواهان نابودی اسرائیل است. یهودستیزی ایران باید به‌طور جهانی محکوم شود و برای همیشه پایان یابد. ایران آشکارا خواهان یک هولوکاست دیگر است. ایران می‌گوید که مأموریت جمهوری اسلامی حذف اسرائیل از روی نقشه است.»

او با اشاره به نشست ورشو ادامه داد: «ما در ورشو گردهم جمع شدیم تا درباره مقابله با ایران رابزنی کنیم. بسیار جالب است که سران منطقه هگی روی این مسئله اتفاق‌نظر دارند که تهدید اصلی علیه ثبات و امنیت منطقه جمهوری اسلامی است. همان‌طور که در این نشست گفتم، زمان آن رسیده که همگی ما دست به اقدام بزنیم. زمان آن رسیده که متحدان اروپایی ما دست از تضعیف تحریم‌های آمریکا علیه ایران بردارند.» معاون رئیس‌جمهور آمریکا جمعه، بعد از نشست ورشو از اردوگاه آشویتس، یکی از اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی، بازدید کرد و ماندند نازی‌ها. ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی متهم کرد. پنس در مونیخ نیز یهودستیزی ایران را از جنس نفرت نازی‌ها عنوان کرده بود. یکی از اتهامات مجوری‌ای که پنس تلاش کرد حول آن پروژه ایرانی‌ستیزی خود را پیش ببرد، مسئله رژیم اسرائیل بود. او پیش از دو اظهارنظر قبلی، در نشست ورشو نیز شوینو می‌گوید که «ایران نازی‌ها، ایران را به یهودستیزی